

دیپلماسی میان ایران و تاجیکستان مبتنی بر عشق است



شناسه خبر : ۱۴۰۸۴۰ شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۸:۴۰

گلرخسار صفی‌اوا گفت: من در بسیاری از نمایشگاه‌های بین‌المللی دنیا از جمله مسکو، فرانکفورت و... شرکت کرده‌ام، اما به نظرم هیچ نمایشگاهی مانند نمایشگاه کتاب تهران نیست. در هیچ جای دنیا نمونه آن را ندیده‌ام. این نمایشگاه یک دانشگاه خودشناسی است

به گزارش موج خبر، گلرخسار صفی‌اوا شاعر پارسی‌گوی اهل تاجیکستان است که به وی لقب «مادر ملت تاجیک» داده‌اند. صفی‌اوا تاکنون هفده بار در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشته است و در بسیاری از دوره‌های آن کتاب‌هایش رونمایی شده است. وی از تجربیات حضور خود در نمایشگاه کتاب تهران و علاقه‌مندی ملت تاجیک به ادبیات و اشعار ایرانی سخن می‌گوید.

* شما در بسیاری از دوره‌های نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشته‌اید، چه خاطره جذاب و به یاد ماندنی از حضور در این نمایشگاه به یاد دارید؟

من در بسیاری از نمایشگاه‌های بین‌المللی دنیا از جمله مسکو، فرانکفورت و... شرکت کرده‌ام، اما به نظر من هیچ نمایشگاهی مانند نمایشگاه کتاب تهران نیست. در هیچ جای دنیا نمونه آن را ندیده‌ام. در نمایشگاه کتاب تهران، خوانندگان و نویسندگان کنار هم جمع می‌شوند و کتاب‌های خوبی هم انتخاب می‌کنند. همچنین برگزاری محافل شاعرانه و ادیبانه از دیگر نکات مثبت این نمایشگاه است. من هفده سال در نمایشگاه کتاب تهران حضور داشتم. سال گذشته هم کتابم با نام «گل خنجری» در نمایشگاه رونمایی شد و مردم محبت کردند و محبت من را به خودشان برگرداندند. به همین خاطر در یک کلام می‌گویم که بزرگی نمایشگاه کتاب تهران را نمی‌توان توصیف کرد. می‌خواهم بگویم ملتی که اوستا دارد و اولین نوشتار را روی کاغذ پیاده کرده است، می‌تواند چنین نمایشگاه باشکوهی را با حضور مردم برگزار کند. نمایشگاه کتاب، یک اقیانوس و بحر کتاب است.

من از پیوند افتخاری خودم با کتاب سخن می‌گویم. هفت پشت من اهل کتاب بودند. من در نمایشگاه کتاب با مترجمانی از کشورهای دیگر صحبت کردم که نمی‌دانستند از حیرت چه باید بگویند. نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، دانشگاه است. دانشگاهی برای خودشناسی، خویشتن‌آفرینی و افتخارآفرینی است.

ایرانیان یک تاریخ هفت هزار ساله دارند و ملت آریایی را تعریف می‌کنند. در خلق کتاب‌های ایرانی کسانی مشارکت دارند که خود اهل کتاب هستند و آن را می‌شناسند. وقتی ما در روزهای سخت، فقر و محرومیت کشورمان، بنای کتابخانه ملی تاجیکستان را گذاشتیم، برخی گفتند که ما گرسنه هستیم و شما کتابخانه تاسیس می‌کنید؟ ما در جواب گفتیم کسی که کتاب می‌خواند گرسنه نمی‌ماند چون کتاب همه را سیر می‌کند. در مجموع من خاطرات بسیار زیادی از نمایشگاه کتاب تهران دارم. برنامه‌های سخنرانی و محافل شعر از جمله برنامه‌هایی بود که با حضور من در نمایشگاه کتاب برگزار شد. خوش به حال کسانی که هر سال این نمایشگاه را کشف می‌کنند. نمایشگاه کتاب تهران یک جایزه بزرگ از آفریدگار است.

* فکر می‌کنید نمایشگاه کتاب تهران چه تاثیری در بهبود دیپلماسی فرهنگی میان ایران و تاجیکستان داشته باشد؟

من فکر می‌کنم دیپلماسی میان ایران و تاجیکستان، دیپلماسی عشق، محبت، صداقت، هم‌جواری و خواهر و برادری است. کتاب برای من از دیپلماسی بالاتر است. یکی از جذابیت‌ها و فواید این نمایشگاه این است که حتی تاجیکستانی‌هایی که زبان فارسی نمی‌دانند از این نمایشگاه برای خود کتاب می‌خرند. این از محبت بالاتر است. به همین خاطر ما نسبت به

ایران و ایرانیان عشق و محبت خاصی داریم. هر حکومت و دوره‌ای سیاست و روش خاص خودش را دارد اما در مجموع ما در مقابل ایران یک سیاست داریم، سیاست عشق میان فرزند و مادر.

* کدام کتاب فارسی میان مردم تاجیکستان بیشترین طرفدار را دارد؟

مرحوم استاد اخوان ثالث استاد بنده بودند و شعری هم برای من سرودند؛ وقتی در آلمان غربی در محافل شعر فارسی حضور پیدا کردم، زمانی بود که از کرملین آمده بودم و در پارلمان عضویت داشتم. آن زمان به یک زبان صحبت می‌کردیم و شعر می‌خواندیم، استاد اخوان گفتند که چون از شعر و ادبیات فارسی حرف می‌زنیم، نباید بگوییم من، باید بگوییم ما! اینطور نیست که بگوییم فلان نویسنده طرفدار دارد و فلان نویسنده طرفدار ندارد. ایران در تاجیکستان بسیار شناخته شده است. آنقدری که ایران در تاجیکستان شناخته شده، تاجیکستان در ایران شناخته شده نیست. البته طبیعی است چون ایران یک مملکت بزرگ است که ریشه و مادر ماست. ما تمام وجوه ایران را از خودمان می‌دانیم. اما جوانان اهل کتاب و ادب تاجیک شعر را بیشتر دوست دارند و هر کس شاعر خودش را انتخاب می‌کند. با وجود اینکه بیش از هفتاد سال است که به خط سیریلیک می‌نویسیم و می‌خوانیم، در تمام تاجیکستان، باغ، مجسمه و تندیس‌هایی به نام شعرای ایرانی از جمله رودکی، فردوسی، مولانا و... داریم.

حتی پیکر کورش کبیر هم به تازگی در باغی نصب شده است. هر چیزی که به ریشه آریایی برمی‌گردد، در تاجیکستان با آن پیوند داریم و طرفدار دارد. من نمی‌توانم از نویسندگان و شاعر خاصی نام ببرم. فقط می‌توانم از سلیقه خودم صحبت کنم. با این وجود وقتی یک تاجیک در نمایشگاه کتاب تهران حضور پیدا می‌کند، به اینکه از این ریشه و مادر است افتخار می‌کند.

* قلم کدام نویسنده زن ایرانی بیشتر مورد علاقه و پسند شماست؟

من از آن دسته افرادی هستم که ادبیات را بین زن و مرد تفکیک نمی‌کنم. امروز هر کسی که قلم خوبی دارد و خوانندگان او را دوست دارند، برای من هم ارزش و اهمیت بالایی دارد. من در انتخاب نویسندگان برتر زن یا مرد بسیار سخت‌گیر هستم. حتی خودم را شاعر حساب نمی‌کنم. من برای دل خودم شعر می‌نویسم. شعر، اندیشه، محبت، عشق، هنر و هرآنچه آفریدگار به ما هدیه داده، است و جنسیت ندارد.

* به نظر شما چرا با وجود پیوندهای فرهنگی و زبان مشترک میان ایران و تاجیکستان، صنعت نشر این دو کشور ارتباط چندانی با یکدیگر ندارند؟

بله ندارند. چون ایرانیان تاریخ هفت هزار ساله دارند و تاریخ کشورداری ما فقط عدد 33 سال را نشان می دهد. ما یک مملکت بزرگ شورایی بودیم. آن زمان 400 میلیون جمعیت داشتیم که تعداد شهرها و زمین های مان بیشتر بود. ما فقط 33 سال است که اعلام استقلال کرده ایم. من اهل انصاف و ایمان به معنای پاکی و طهارت هستم و امیدوارم خداوند این موهبت را از من نگیرد. اما می خواهم بگویم ایران در طی هزاران سال ساخته شده است. حتی سنگ نوشته هایی که در دل کوه حکاکی شده اند و اندرزه های بزرگان است نشان از تاریخ غنی ایران دارد. تاجیکستان 33 سال قدمت دارد که نصف جمعیت آن هم مهاجرت کرده است. ما استقلال را همچون طفل نوزادی در آغوش گرفته ایم. دوام و استحکام این استقلال زمان، عشق، تجربه و صبوری می خواهد.

* مردم و جوانان تاجیکستان نسبت به ادبیات ایران چه حس و نظری دارند؟

ما خیلی به ادبیات ایران علاقه مند هستیم. اساتید ما در دانشگاه ها، مدارس و مکتب ها از بزرگان ادبیات فارسی صحبت می کنند. اگر شما به یکی از روستاهای تاجیکستان بروید می بینید که مردم چگونه اشعار رودکی را از بر هستند. بسیاری از آنها نمی دانند در دنیا چه خبر است اما با شعر و ادبیات ایرانی از «بوی جوی مولیان» تا شعر امروز آشنایی دارند. قیصر امین پور از شاعران بزرگ ایرانی یکی از دوستان عزیز من بود. کتاب او با پیشگفتار بنده در تاجیکستان منتشر شد. اکنون قیصر امین پور به عنوان یکی از شاعران ملی تاجیک شناخته می شود. اینکه بسیاری از شاعران و نویسندگان مثل قیصر، در تاجیکستان شناخته شده نیستند به این دلیل است که تیراژ کتاب ها کم است. مردم ما بسیار مردم شعر دوستی هستند. ملتی هستیم که از گهواره تا تابوت با شعر زندگی می کنیم. چون شعر همان خرد عالی انسانی است. به همین خاطر می خواهم بگویم که ندانستن ما نخواستن نیست، نداشتن و نتوانستن است. این تاجیکستان کوچک که ده میلیون جمعیت دارد ایران را بسیار می شناسد تا ایران ما را. البته ما وقت و زمان زیادی برای آشنایی با شما نداشتیم، ولی شما می توانید ما را بشناسید. رودکی را که به عنوان پدر شعر تاجیک می شناسید.

* شما به عنوان یک فرهیخته و اهل کتاب تاجیک، جای خالی چه چیزهایی را در نمایشگاه کتاب تهران حس می کنید؟

من خیلی دلم می خواست که غرفه تاجیکستان با کتاب های تاجیکستان نوین به خط نیاکان و سیریلیک حضور داشته باشد. من روزانه 16 ساعت با خط سیریلیک کار می کنم. خط فارسی همیشه همراه ما هست و می ماند. سال گذشته کتاب دوبیتی های من با نام «گل خنجری» به زبان فارسی و سیریلیک در نمایشگاه حضور داشت و مورد استقبال خوانندگان ایرانی هم قرار گرفت. خوانندگان ایرانی افتخار من هستند. مسئولان غرفه به من گفتند که هر روز صدها نفر می آمدند و سراغ کتاب شما را می گرفتند. خیلی دوست داشتم که کتاب ها با دو خط چاپ شوند. نمی دانم امسال از تاجیکستان به نمایشگاه چه خواهیم آورد. سال گذشته بسیار فعال بودیم. من آینده را بسیار روشن می بینم. ایران را خیلی دوست

داریم چون کسی که وارد این وادی می شود عشق و محبت مادری خود را با هر خط و زبانی پیدا می کند. نفت و گاز و طلا تمام می شود اما نعمت و ثروتی که باقی می ماند همین زبان و فرهنگ مشترک است. ما هیچ ادعایی نداریم اما به ایران و فرهنگ آن عشق داریم. «با شیوه عاشقان سخن می گویم، با لهجه عارفان سخن می گویم، از آنکه به پارسی سخن می گویم، با لحن فرشتگان سخن می گویم.»

اولین باری که به ایران سفر کردم و بعد به تاجیکستان بازگشتم از من پرسیدند از ایران چه آورده ای؟ من گفتم دیوان حافظ آوردم. به همین خاطر می خواهم بگویم «از ایران گل بیارید و بکارید، گلی هم رنگ و بوی شعر حافظ، از ایران هدیه ای دیگر نخواهید، به جز جام و سبوی شعر حافظ» بهترین هدایایی که مردم از نمایشگاه می آورند همین دیوان حافظ و دیگر شاعران برجسته مانند مولانا است. چون کتاب های نفیس با نقاشی ها و طرح های اصیل طراحی شده است. من می دانم وقتی کسی برای اولین بار به نمایشگاه می آید و برمی گردد انسان جدیدی متولد می شود چون او می فهمد که زندگی فقط خوردن و خوابیدن نیست. اینجاست که می فهمد این ملت آریایی چه ملتی است.

انتهای پیام/

انتهای پیام/